



مدرسه علمیه الزهرا (س)

عنوان مقاله

ارث زوجین از زمین از دیدگاه امامیه و اهل تسنن

کردآورنده: سیران کریم پور

استاد مربوطه: خانم فریدونی

مقدمه

ارث یاری کننده صیانت دودمان و فرهنگ خانواده یکی از تاسیسات اجتماعی است، که قواعد و اصول حقوقی کمتر در آن بکاررفته است. در ادوار تاریخ، ارث در ملل گوناگون بر عادات متداول اجتماعی گذارده شده و در هر دوره تا آنجا که نظم جامعه را مختل نمی نموده اعتدال در آن رعایت گردیده است. اما همین احکام متداول انچنان که باید موافق با مصلحت عقل و فطرت نبوده اند.

قانون مدنی ایران در مباحث مربوط به «ارث» به طور کامل منطبق با فقه عمل نموده اند و آثار حقوق غرب مطلقاً در آن دیده نمی شود. از آنجا که بحث ارث آیاتی چند از کتاب عظیم الشان قرآن و به مراتب بیش از هزار حکم، قاعده و مسائل دقیق را به خود اختصاص داده است، به جرات می توان از آن به عنوان مهم ترین و پیچیده ترین بخش در کتاب های فقهی - حقوقی یاد کرد.

فقها و حقوقدانان با دقت و درایت و با توجه به گستردگی و شمول آیات که نشان از بی نظیری خالق آن دارد، به فصل بندی ارث پرداخته و تحت عناوینی همچون؛ موجبات، موانع و شرایط ارث - که هر یک نیز زیر مجموعه های گوناگون دیگری دارد به طور مفصل سخن گفته اند.

چون پرداختن به زوایای مختلف این بحث ها از حوصله ی این مقاله خارج است در قالب مباحثی به تبیین موضوع مقاله تحت عنوان «ارث زوجین از زمین» در مذاهب اربعه و مذهب تشیعی پردازیم.

چکیده

مساله ارث از قدیمی ترین سنت ها می باشد که در مجمع بشری باب شده است و این معنا در توان مدارک تاریخی نیست که نقطه ی آغاز آن را معین کند . تاریخ هیچ امتی به آن دست نیافته است، لیکن علاوه بر این که ارث بردن رسم بوده طبیعت امر هم، همان را اقتضا دارد . چون اگر طبیعت انسان را مورد دقت قرار دهیم، خواهیم دانست که مال و مخصوصاً مال بی صاحب چیزی است که انسان طبیعتاً خواستار آن بوده و علاقه مند است که آن مال را در حوائج خود صرف کند و این حیات مال، مخصوصاً مالی که هیچ مانعی از حیات آن نیست جزء عادات اولیه و قدیمه ی بشر بوده است.

سنت ارث مانند سایر سنت های جاریه در اجتماعات بشری همواره رو به تحول و تغییر بوده و تکامل بشر آن را بازیچه ی خود کرده است. به دست آوردن تحول منظم آن از تاریخ زندگی آنان به طوری، که انسان به تحقیق خود وثوق و اطمینان پیدا کند ممکن نیست و کاری است بس مشکل.

آن مقداری که از وضع زندگی آنان برای انسان یقینی است، این است که در آن مجتمعات زنان و افراد ناتوان از ارث محروم بوده اند، و احکام متداول آن دوره آن چنان که باید موافق با مصلحت عقل و فطرت نبوده اند.

بحث ارث آیات بسیاری از قرآن را به خود اختصاص داده است؛ طوری که می توان ارث را مهم ترین و پیچیده ترین بخش در کتاب های فقهی - حقوقی به شمار آورد. فقها و حقوق دانان با توجه به گستردگی و شمولیت آیات به فصل بندی ارث پرداخته اند. کتاب های زیادی در زمینه ی ارث وجود دارد که بیشتر در مورد چگونگی ارث بردن از هم، موانع ارث، طبقه بندی افراد بر حسب نزدیکی به می_____ت پرداخته اند.

از جمله کتاب هایی که مورد مطالعه قرار گرفته است؛ کتاب ارث آقای مهدی شهیدی است که در آن ارث زوجین از دیدگاه امامیه مورد بررسی قرار گرفته است. و اموال منقول و اموال غیر منقول کاملاً از هم تفکیک شده است. و کتاب ارث در فقه شافعی تألیف ماموستا، سید حسن حسینی به بحث ارث پرداخته باینکه این کتاب تحت عنوان ارث تألیف شده است؛ اما ارث زوجین از هم کاملاً بررسی نشده است. و فقط در قالب مثال، میزان ارث هر یک از افراد طبقه اول و دوم میت مشخص شده است. و کتاب احوال شخصیه در مذاهب چهارگانه اهل سنت تألیف آقای اسعد شیخ الاسلامی هم به بحث ارث پرداخته و ارث زوجین از زمین در مذهب امامیه کاملاً شرح داده شده است؛ ولی در مذاهب چهارگانه ی اهل سنت بحث کاملاً تبیین نشده است. لذا هدف/بین مقاله این است که به توضیح و تبیین یک فصل از ارث تحت عنوان «ارث زوجین از زمین» از دیدگاه امامیه و اهل تسنن بپردازد.

سؤال اصلی:

آیا زوجین نسبت به هم از زمین ارث میبرند؟

- آیا ارث یک حقیقی است؟

- آیا ارث مرد دو برابر زن است؟

- آیا مذاهب اهل سنت و تشیع درمسأله ارث زوجین از زمین باهم اختلاف نظر دارند؟

فرضیه:

به نظر می رسد که ارث مرد دو برابر زن است *

به نظرمی رسد که زوجه از زمین ارث نمی برد *

کلید واژه ها

اموال منقول - اموال غیر منقول - ابنیه - عصبه - اشجار

اموال منقول: اشیایی که نقل آن ها از محلی به محل دیگر ممکن است وبه محل خرابی وارد

نسازد مثل فرش، مبیل، پرده.

اموال غیر منقول: اشیایی که نمی توان آن ها را از محلی به محل دیگر انتقال داد؛ اعم از این که

استقرارشان ذاتی و یا به واسطه ی عمل انسان باشد؛ به نحوی که انتقال آن ها مستلزم خرابی یا

نقص خود مال یا محل آن ها می شود * مثل زمین، ساختمان ها، لوله هایی که در زمین یا بنا برای

جریان آب ویا مقاصد دیگر کشیده شده اند.

ابنیه: به چیزی می گویند که به وسیله ی عمل انسان بر روی زمین یا چوب، آهن، سنگ، آجر، آهک

وامثال آن ساخته شده باشد. مثل خانه، دکان، حمام و...

عصبه: در لغت، جمع (عاصب) و به معنی نزدیکان شخص از طرف پدر و نیز مأخوذ از (عصوبت) به معنی

تقویت است. از آن جا که خویشاوندان پدری، اطراف شخص را احاطه کرده تقویتش می کنند آنان را

عصبه می گویند.

آیت الله بهجت نیز به طور کلی زن را مستحق اموال منقول شوهر می دانند و زمین و قیمت را در سهم ارث زن به شمار نمی آورند اما، همانند دیگر مراجع قیمت بنا و ساختمان و درخت را در ارث حساب می کنند. البته به نظر ایشان زن با رضایت وارثان می تواند از خود ساختمان هم ارث ببرد؛ در تمام این موارد بین زنی که از شوهر خود فرزند دارد یا ندارد تفاوتی نیست. هر چند بنابر، احتیاط خوب است که زن بچه دار از زمین ارث ببرد.^{۱۲}

دیدگاه مشهور از فقهای معاصر مانند: امام خمینی (ره)، آیات مکارم شیرازی، نوری همدانی، گلپایگانی، اراکی، خویی، سیستانی، تبریزی، زنجانی و فاضل این است که: زن از همه ی اموال منقول ارث می برد ولی از زمین و قیمت آن ارث نمی برد و همچنین از غیر منقول مانند بنا، درختان، زراعت، میوه و... نیز ارث نمی برد؛ بلکه از قیمت آن ارث می برد. مستند روایی آنان هم روایات معصومین (ع) و کنار هم قراردادن آن هاست.^{۱۳}

برخی از فقها در صدق بنا تزینات ساختمان خانه، مانند آئینه ای که در ساختمان نصب شده است، اشکال کرده و می گویند: ظاهر این است که زوجه از این قبیل تزینات ارث نمی برد، زیرا بنا از این مورد انصراف دارد و به آنها، بناطلاق نمی شود؛ البته اگر ساختمان آئینه کاری باشد، آئینه هایی که در آن نصب شده است جزء بنا محسوب می شود؛ و زوجه از قیمت آن ها ارث نمی برد.^{۱۴}

شیخ مفید و ابن ادریس دامنه ی محرومیت را محدود کرده و معتقدند که زن از اراضی و مزروعی و باغ و مزرعه ارث می برند.^{۱۵}

فقها در باب میراث ارث زن و شوهر می گویند: زن و شوهر از یکدیگر ارث می برند، اگر شوهر بمیرد و فرزندی نداشته باشد؛ زن یک چهارم از اموال شوهرش را ارث می برد ولی اگر شوهر، فرزند نداشته باشد - چه پسر چه دختر - چه یک فرزند چه بیشتر - چه از یک زن یا از زن دیگر - زن یک هشتم از اموال شوهرش را به ارث می

برد^{۱۶}

^{۱۲} - آیت الله بهجت، ص ۴۴۹، ج ۱۳۸۶، مسائل ۲۲۴۸ و ۲۲۴۹

^{۱۳} - امام خمینی (ره)، ج ۲، ص ۷۴۱، چ هشتم، انتشارات اسلامی قم

^{۱۴} - قبله ای خویی، ص ۱۸۲، چ ۱۳۸۱، انتشارات کتب علوم انسانی

^{۱۵} - مهرپور ص ۷۱، چ ۱۳۸۱، انتشارات اطلاعات

^{۱۶} - شیخ مفید، ص ۶۸۷، چ ۱۴۱۳ ق

ماده ۹۴۷ ق.م.ا.م می دارد: زوجه از قیمت ابنیه واشجار ارث می برد و نه از عین آن ها و طریقه ی تقویم آن است که ابنیه واشجار با فرض استحقاق بقا ءوزمین بودن اجرت تقویم می گردد^{۱۷}

اقوال اهل سنت در این مساله به شرح ذیل است:

«اذا تزوج رجل فی حال مرضه و دخل بها ثم مات ورثته وان لم یدخل بها لم ترثه وقال ابوحنیفه واهل عراق والبصره والشافعی انها ترثه ولم یفصلوا وقال مالک واهل مدینه لا ترثه ولم یفصلوا ایضا^{۱۸} دلیلنا: اجماع الفرقه و اخبارهم»

اگر مردی در بیماری که با آن فوت کرده زنی بگیرد در صورتی که با آن زن عروسی کرده و سپس مرده است آن زن از آن مرد ارث می برد؛ اگر عروسی نکرده ارث نمی برد^{۱۸} ابوحنیفه و اهل عراق و اهل بصره و شافعی گفته اند؛ که آن زن ارث نمی برد؛ چه عروسی کرده و چه عروسی نکرده است. مالکی و اهل مدینه هم گفته اند که ارث نمی برد ایشان هم فرق نگذاشته اند (عروسی بکند یا نکند). دلیل ما اجماع و روایات امامیه است.^{۱۸} «اذا خلفت المراه زوجها و لا وارث لها سواه فالنصف له بالفرض والباقی یعطى اياه فی الزوجه الربع لها بلا خلاف والباقی لاصحابنا فیه روایتان: احدهما مثل الزوج یرد علیها والاخری: الباقى لبیت المال وخالف جمیع الفقهاء فی المسالتین معا وقالوا: الباقى لبیت المال»

اگر زنی بمیرد و وارث او فقط شوهرش باشد، نصف مال را بالفرض به شوهرش می دهند نصف دیگر را هم به او بر می گردانند^{۱۸} اگر مردی بمیرد و ورثه ای جز زوجه نداشته باشد، اجماعاً ربع مال را به زن داده و درباقی مانده میان فقهای امامیه اختلاف است و در این مورد دو روایت است یکی اینکه همان طوریکه باقی مانده را به شوهر برمی گردانند، باقی مانده را به زن نیز برمی گردانند؛ دیگری اینکه باقی مانده به بیت المال (امام(ع)) می رسد. فقهای اهل سنت (مالکی، شافعی، حنبلی، حنفی) در هر دو مساله با ما مخالفند و در هر دو صورت معتقدند (چه مرد بمیرد و چه زن بمیرد) پس از دادن سهم واجب زن و شوهر بقیه به بیت المال مسلمین می رسد^{۱۹}.

^{۱۷} - شهیدی، ص ۱۹۷، ج ۱۳۸۷، انتشارات مجد
^{۱۸} - شیخ طوسی، ج ۲، ص ۳۷۱، ج ۱۳۸۲، انتشارات طه

^{۱۹} - همان، ص ۳۷۲، ج ۱۳۸۲، انتشارات طه

اشاره شد وقتی آیات سوره ی نساء، درباره ی ارث و تعیین صاحبان سهام نازل شد؛ پیامبر(ص) فرمود: به راستی که خدای متعال حق هرکسی را به وی داد^{۱۰} ای مردم بدانید که برای کسی که وارث است و خداوند سهم او رامعین کرده وصیت لازم نیست. در میان یاران پیامبر(ص) چهارنفر به دانستن احکام ارث مشهورند. علی(ع)، عبدالله بن عباس، عبدالله بن مسعود و زید بن ثابت.

امام شافعی در این میان مذهب زید را برگزید چون پیامبر(ص) فرموده: داناترین شما به فرائض زیداست؛ و چون زید در همه مسائل به قیاس نزدیک تر است و چون دلایل او مستقیم تر است؛ پس امام شافعی به آراء او عمل کرده و آنها را پسندیده نه اینکه از زید تقلید کرده باشد؛ (چون خود او مجتهد جامع الشرایط بود).

وارثانی که در هیچ حالی ساقط نمی شوند و حجب نمی گردند:

۱- حجب نقصانی (ناقص شدن سهم یکی از ورثه به علت وجود غیر او)

مانند، حجب نقصانی و کاهشی که وجود فرزند در سهم شوهرپدید می آورد؛ که با وجود فرزند، سهم الارث شوهر از نصف به یک چهارم کاهش می یابد و همچنین با وجود فرزند سهم الارث همسر از یک چهارم به یک هشتم کاهش می یابد و با وجود فرزند سهم الارث ها از یک سوم به یک ششم کاهش می یابد^{۱۱}.

۲- حجب حرمانی (منع کردن همه ارث از یکی از ورثه به علت وجود غیر او)

اول کسانی که بین آنان و بین مرده هیچ واسطه ای نیست و پیوندشان مستقیم است مانند، شوهر، همسر، پدر و مادر و فرزندان^{۱۲} این قسم در هیچ حالی ساقط نمی شوند؛ چون هیچ واسطه ای بین آنان و میت نیست^{۱۳}.

قول مذهب حنفی و حنبلی را در قالب مثال تبیین می کنیم

اگر مردی بمیرد و از خود یک زن، مادر مادر و یا مادر پدر به جای گذارد. زن، یک هشتم، مادر مادر یک ششم، به فرض و بقیه به عنوان عصبه خواهد بود^{۱۴} در هر حال اگر جده ی وارث یکی باشد یا بیشتر خواه از طرف مادر خواه از طرف پدر یک ششم تر که به هر دو جده به تساوی تعلق می گیرد.

^{۱۰} - عاشور، ص ۴۱۱، ج ۱۳۷۶، انتشارات طراحان

زیرا از نظر حنبلی، پدر نمی تواند مادر خود را حجب کند^{۲۰} البته از نظر حنفی ها تعداد جده ها مطرح نیست؛ بنابراین از نظر آنها یک ششم بین آن ها به تساوی تقسیم می شود^{۲۰} در این مساله مالکی هم موافق حنبلی است^{۲۱}.

نتیجه گیری

آیات سوره «نساء» به صراحت کمیت سهم ارث همسر از شوهر متوفای خود در صورت داشتن فرزند یا فقدان آن را بیان نموده اند^{۲۰} اما کیفیت و نوع دارایی، اعم از اموال منقول و غیر منقول را در زبان معصومان (ع) شاهد هستیم^{۲۰} و مذاهب اهل سنت و تشیع هر کدام طبق تفسیری که از آیات این سوره دارند نظرهای متفاوتی دارند^{۲۰}. فقهای معظم به پیروی از آیه ی ۱۲ سوره ی «نساء» و روایات مذکوره در این مساله، سهم زن دارای فرزند را کلیه ی اموال منقول و غیر منقول (مثل بناها، نه زمین) و سهم زنی را که از همسر خود فرزندی نداشته باشد، تنها از قیمت عین ساختمان و بنا می دانند؛ و البته طبق نظر مشهور؛ زن از دارایی های غیر منقول همسر خود مثل ساختمان و بنا و زمین (ملکی زراعی) ارث نمی برد^{۲۰} هر چند در قسمت نخست نیز برخی از روایات منقول از معصومان (ع) به عمومات تمسک جسته اند و منظور از «نساء» در آن روایات را مطلق زن صاحب فرزند و زن بدون فرزند دانسته اند تا بدین ترتیب سهمیه ارث زن صرفاً قیمت ابنیه و عمارت و ساختمان باشد^{۲۰}. مذاهب اهل سنت با اندکی تفاوت جزئی معتقدند که زن از جمیع ماترک زوج ارث می برد که با این بیان زمین و اشجار را هم شامل می شود^{۲۰}.

^{۲۱} - شیخ الاسلامی، ص ۱۲۵، ج ۱۳۷۴، انتشارات: چاپ و نشر لیلی

منابع و مأخذ

قران کریم (ترجمه استاد محمد مهدی فولادوند)

۱- مهرپور، حسین، بررسی میراث زوجه در حقوق اسلام و ایران، چاپ اول ۱۳۸۶، انتشارات اطلاعات

۲- شهیدی، مهدی، ارث، چاپ هفتم ۱۳۸۷، انتشارات مجد

۳- شیخ طوسی، فقه تطبیقی، ارث، وصیت، ترجمه، دکتر علی اکبر نایب زاده، چاپ اول ۱۳۸۲، انتشارات طه

۴- حسینی، سید حسن، ارث در فقه امام شافعی، چاپ ۱۳۷۲، انتشارات یاران

۵- عاشور، احمد عیسی، فقه آسان در مذهب شافعی، ترجمه، دکتر محمود ابراهیمی، چاپ ۱۳۷۶، انتشارات طراحان

۶- قبله ای خویی، خلیل، ارث، چاپ اول ۱۳۸۱، انتشارات مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی

۷- کمالان، سید مهدی، هندبوک کاربردی قوانین و مقررات حقوقی، چاپ سوم ۱۳۸۹، انتشارات کمالان

۸- شیخ الاسلامی، اسعد، احوال شخصیه در مذاهب چهارگانه اهل سنت، چاپ اول ۱۳۷۴، انتشارات چاپ

و نشر لیلی

۹- بهجت، محمد تقی، رساله توضیح المسائل، جلد ۷۸، چاپ ۱۳۸۶، انتشارات شفق